

تأملی در نگرش متفاوت نماد طاووس در شعر شاعران فارس و عرب

دکتر یحیی معروف* / محمدحسن امرایی**

تاریخ دریافت مقاله: ۲۰۱۴/۰۵/۲۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۲۰۱۴/۰۹/۱۹

چکیده

در شعر شاعران زبان فارسی و عربی، نگرش‌های متناقضی درباره‌ی طاووس مشاهده می‌شود به نحوی که برخی به این پرنده بدبین و برخی دیگر خوش‌بین بوده و آن را نمادی قدسی و بهشتی دانسته‌اند. از سویی دیگر، شاعران فارسی زبان برخلاف شاعران عرب، نماد طاووس را از معنای ظاهری و مادی به معنای عرفانی و نمادین آن سوق داده‌اند. تا جایی که، طاووس در شعر شاعران ایرانی، بیشتر نماد نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله، مهدی موعود عجل الله فرجه، فرشتگان، مرغان بهشتی و ... است. با این حال، طاووس در آموزه‌های دینی و اسلامی به عنوان پرنده‌ای زیبا با شگفتی‌های فراوان یاد شده و کمتر مدمتی ممکن است در مورد این پرنده وجود داشته باشد. این مقاله، بر اساس مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی، ضمن بررسی کارکرد نمادین طاووس در شعر شاعران فارسی زبان و عرب، به نقاط اشتراک و اختلاف آن‌ها پرداخته، و برداشت‌های مختلف این

* استاد گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه رازی کرمانشاه (ایران) (y.marof@yahoo.com)

** دانشجوی دکترای زبان و ادبیات عرب، دانشگاه رازی کرمانشاه (ایران) (amrany77@yahoo.com)

شاعران را از طاووس به بوته‌ی نقد، تحلیل و تطبیق می‌سپارد تا اندیشه‌ی نمادین و محتوای سمبولیک افکار آنان را تبیین نماید. روش کار تحلیلی توصیفی است.

کلیدواژه‌ها: طاووس، نماد، ادبیات تطبیقی، بدبینی، شعر فارسی، شعر عربی.

۱. پیشگفتار

نمادها از عناصر هنری در ادبیات هستند که بر غنای کلام می‌افزایند و کلام عادی را به مرتبه‌ی عالی ادبی می‌کشانند. نمادها از برجسته‌ترین عناصر در آفرینش صور خیال و از جمله بنیادی‌ترین ابزارهای شناخت و بیان به شمار می‌روند. نماد از مهم‌ترین فنون ادبی و بلاغی است که در شناخت و بازیابی فرهنگ و تمدن انسان‌ها نقش مهمی بازی می‌کند و از دیرباز مورد توجه شاعران فارسی و عربی بوده است و در بین تمامی گونه‌های ادبی، به ویژه ادبیات عرفانی، به طور عمیق ریشه دوانیده است. باوجود این که، طاووس نزد بیشتر شاعران زبان فارسی، نمادی عرفانی داشته و جایگاه خاصی دارد، در قرآن کریم به جز در آیه‌ی ۲۶۰ سوره‌ی بقره که به داستان زنده کردن مرغان توسط حضرت ابراهیم علیه السلام اختصاص دارد، به طاووس اشاره‌ای نشده است. امام علی علیه السلام نیز در نهج‌البلاغه (خطبه ۱۶۵) از طاووس به عنوان یکی از شگفت‌انگیزترین پرندگان در آفرینش یاد کرده است. از سویی دیگر در فرهنگ ایران باستان نیز، اهمیت زیادی برای این پرنده قائل بوده‌اند. «ارسطو آورده که طاووس و خروس «پرنده پارسی» نام داشته‌اند و در موارد متعددی، طاووس از عمده پیشکشی‌های سفیران پارسی به جهت پادشاهان ممالک مختلف بوده است. علاوه بر این، طاووس نماد سلطنت ساسانیان بوده، و روی مهرهای آن

دوره هم این نقش دیده شده است» (www.hamshahrionline.ir). این پرنده به دلیل زیبایی‌اش در بسیاری از منابع شیعی، نماد امام زمان علیه السلام، نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله است و این موضوع خود دلیل قداست و عظمت این حیوان است، بنابراین بسیار شگفت می‌نماید که این حیوان نزد برخی شاعران فارس و عرب نماد بدبینی است. شاید به واسطه‌ی همدستی با شیطان در فریب حضرت آدم علیه السلام و اخراج او از بهشت است که در ادب فارسی نقشی این چنین ناستودنی یافته است.

در نماد طاووس، باوجود برخی شباهت‌ها در میان شاعران فارس و عرب همچون: بدبینی و خوش‌بینی به این پرنده، تفاوت‌های اساسی نیز وجود دارد: ۱. شاعران فارس بر خلاف شاعران عرب، نماد طاووس را بیشتر برای بیان مقاصد عرفانی به کار برده‌اند. ۲. شاعران فارس با استفاده از نماد طاووس به فراخوانی شخصیت‌های دینی مذهبی، همانند: نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و امام زمان علیه السلام پرداخته، و درون‌مایه‌ی اشعار خود را در این شخصیت‌ها جستجو کرده‌اند.

این مقاله بر آن است تا به این سؤالات پاسخ دهد که:

۱. اصولاً طاووس در شعر شاعران فارسی و عربی نماد چیست؟
 ۲. چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی میان نگرش شاعران هر دو ملیت با محوریت نماد طاووس وجود دارد؟
- اهمیت این پژوهش در آن است که کشف معانی عمیق این نماد، می‌تواند در شناخت بینش فرهنگی و نوع جهان‌بینی و عرفان نظری شاعران عربی و فارسی مؤثر باشد.

پیشینه‌ی تحقیق

در خصوص نماد طاووس، پژوهش‌هایی صورت گرفته است که از جمله آن می‌توان به مقاله‌ی محمد خزایی (۱۳۸۶ ش) اشاره نمود که در آن نگارنده به تأویل نمادین نقوش طاووس و سیمرغ در بناهای اصفهان در دوره‌ی صفویان پرداخته است و نیز مقاله مرجان صلواتی (۱۳۸۸ ش) که در آن، نماد طاووس در چنته‌بافی زنان ایلات قشقایی فارس بررسی شده است. مهم‌ترین مقاله در این زمینه، مقاله‌ی آقای علی‌پور (۱۳۸۴ ش) دانشجوی کارشناسی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد تبریز است که در آن، طاووس را تنها در فرهنگ و ادب فارسی بررسی نموده است. اما در ارتباط با مقاله‌ی حاضر که بررسی تطبیقی نماد طاووس در شعر شاعران فارس و عرب است تا آنجا که تحقیق و بررسی شده پژوهشی صورت نگرفته و لذا با موضوعات ذکر شده، تفاوت اساسی دارد.

۲. طاووس در شعر فارسی

سیر تحول تصویر شعری در ادب فارسی به وضوح گویای دگردیسی در فرایند تجربه‌های خیالین شاعرانه بوده و هست. در شعر سبک خراسانی، تشبیه حسی ساده‌ترین تمرین خیال است. از سده‌ی ششم به بعد با ظهور تشبیه‌های عقلی و خیالی در شعر فارسی، تجربه‌های شعری خیالی‌تر می‌شود. با ورود تجربه‌های باطنی عارفان به شعر فارسی، ساختار تصویر نیز متحول می‌شود. پارادوکس - های زبان عرفانی، حس‌آمیزی، تمثیل‌های رمزی و نمادپردازی، موجب شد که زبان شعر نمادین و رازناک شود. آشنایی ایرانیان با ادبیات غرب نیز در تصویرپردازی‌های نمادین آن‌ها بی‌تأثیر نبوده است. حاصل آن در تصویرهای رمانتیک میرزاده‌ی عشقی (۱۳۳۰ ش) و نیما در سال ۱۳۰۰ ش و سپس در

جریان رمانتیسیم دهه‌ی سی در اشعار فریدون تولگی، گلچین گیلانی، فروخ فرخزاد و ... نمایان است، به نحوی که، از اساس با اسلوب تصویرپردازی در سنت شعر فارسی متفاوت است. این بخش از مقاله به بررسی تحلیلی- استقرایی نماد طاووس در میان شاعران فارسی می‌پردازد تا اندیشه‌های نمادین و سمبولیک آن‌ها از نماد طاووس را در مقایسه با شاعران عرب که در بخش بعدی مقاله بررسی خواهد شد، تبیین نماید.

۲-۱. طاووس، نماد نبی مکرم ﷺ و امام زمان ﷺ

طاووس از پرندگانی است که پیوندی عمیق با فرهنگ تشیع دارد. سازندگان علم حیدری در یک جوشش عاطفی نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام، پر طاووس را بر روی علم عزای حسین نشانیدند که نشان و نماد فعالیت‌های حضرت مهدی موعود علیه‌السلام در عرصه‌ی عاشورا است. این نماد، برگرفته از این سخن پیامبر اسلام است که در توصیفی زیبا، طاووس را جلوه‌ای از زیبایی حضرت مهدی علیه‌السلام دانسته‌اند: «الْمَهْدِيُّ طَاوُوسٌ أَهْلُ الْجَنَّةِ وَجْهَهُ كَالْقَمَرِ الدُّرِّيِّ عَلَيْهِ جَلَابِيبُ النُّورِ» (مجلسی، بی‌تا: ۹۱/۵۱). منابع شیعی اذعان دارند که حضرت مهدی علیه‌السلام زیباترین مخلوقات خداست؛ زیرا او را در اخلاق و آفرینش، شبیه‌ترین مردم به پیامبر اکرم به شمار آورده‌اند (همان، بی‌تا: ۳۷۹/۵۲).

۲-۱-۱. اوحد الدین محمد بن محمد انوری، معروف به انوری ابیوردی و «حجّة الحق» شاعر و دانشمند ایرانی قرن ششم است که پیوند و دل بستگی عمیقی با اهل بیت علیهم‌السلام دارد، ایشان در قصیده‌ی ۲۰۲، از دیوان اشعار خود، به مدح سرور سادات عالم هستی، حضرت مهدی موعود علیه‌السلام پرداخته و طاووس را نمادی از زیبایی بی‌مثال این امام همام دانسته، و از شباهت ایشان به

نبی مکرم اسلام سخن رانده است: (دیوان، ۱۳۷۶ش: ۴۹۸/۱)

مهر تو و سینه‌ی چو من کس! طائوس و سرای روستایی؟!
ای دیده‌ی ناظر نبوت در ذات تو دیده مصطفایی
این خاطر من ز غیبت تو محروم ز پادشاه‌ستایی

شاعر خود را لایق میزبانی مهر و محبت امام زمان علیه السلام نمی‌داند. وی قلب و سینه‌ی خود را به خانه‌ای محقر و روستایی تشبیه کرده است که جولانگاه پرنده‌ی زیبایی همانند طائوس نیست.

۲-۱-۲. جلال‌الدین محمد بلخی مشهور به مولوی، شاعر و عارف بزرگ قرن هفتم، در غزل شماره‌ی ۱۸۹، از دیوان غزلیات خود، طائوس را نماد امام زمان علیه السلام دانسته، و به فراخوانی مسلمانان جهان برای استقبال از آن حضرت پرداخته و آن حضرت را به بهار جان‌ها تشبیه نموده که با دیدن جمال ایشان، همانند مرغی پرکنده به رقص در می‌آیند: (مولوی، ۱۳۷۸ش: ۱۱۸)

آمد بهار جان‌ها، ای شاخ تر به رقص آ
چون یوسف اندر آمد مصر و شکر به رقص آ
طائوس ما در آید، وان رنگ‌ها برآید
با مرغ جان سر آید، بی‌بال و پر برقص آ
کور و کران عالم، دید از مسیح مرهم
گفته مسیح مریم کای کور و کمر به رقص آ

۲-۱-۳. حکیم سنایی غزنوی، از مهم‌ترین شاعران عارف و نمادپرداز ایران است که طائوس در شعر او جلوه‌ی ویژه‌ای یافته است. وی در باب سوم کتاب *حدیقة الحقیقة و شریعة الطریقة* (۱۳۸۱ش: ۴۹)، در توصیف نبی مکرم

اسلام و فضیلت و برتری ایشان بر جمیع پیامبران، آن حضرت را طاووس بوستان قدوسی نامیده است:

کرده با شاهپر طاووسی جلوه در بوستان قدوسی

در فرهنگ اسلامی ایران نیز، طاووس نمادها و مصادیق مختلفی یافته است، در دوره قاجاریه، طاووس نماد نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله معرفی شده است، تا جایی که می‌توان «انعکاس آن را بر روی سکه طلای ۲۰ تومانی دوره قاجار که در سال ۱۲۱۰ هـ.ق در تهران ضرب شده است ملاحظه نمود» (صباغ‌پور، طیبه و شایسته‌فر مهناز، ۱۳۸۹: ۴۲). در این سکه بر روی نقش طاووس کلمه «یا محمد صلی الله علیه و آله» نوشته شده است.

۴-۱-۲. کمال‌الدین ابوالعطا محمودبن علی معروف به «خواجه کرمانی» (م ۷۵۰ ه.ق.) به دلیل هنرنمایی‌هایش به «نخلبند شاعران» مشهور شده است. کرمانی، در ترکیب‌بندی بعد از توحید باری تعالی، به توصیف نبی مکرم اسلام پرداخته، و رسالت نبوت را به بوستانی تشبیه می‌کند که آن حضرت، طاووس این بوستان زیباست: (دیوان، ۱۳۷۴: ۱۲۸)

طاووس بوستان رسالت که جبرئیل هنگام وحی بلبل دستان‌سرای اوست

۲-۲. طاووس، نماد ملایک و جبرئیل

۲-۱-۲. عطار نیشابوری، شاعر و عارف بزرگ قرن هفتم که تمامی عمر خود را صرف نشر معارف صوفیه کرده در مقاله‌ی دوم، از کتاب *اسرارنامه*، در توصیف معراج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، آن حضرت را بهترین هر دو عالم می‌نامد و می‌گوید: (عطار، ۱۳۸۴: ۱۰)

محمد بهترین هر دو عالم نظام دین و دنیا، فخر آدم
در آمد پیش طاووسِ ملائک پی او گشته قدسیان فذلک

در این شعر طاووس نماد فرشتگانی است که حضرت محمد صلی الله علیه و آله هنگام عروج ملکوتی خود نزد آنها فرود آمده است.

در فرهنگ اسلامی «جبرئیل» از مصادیقی است که در ارتباط با نماد طاووس مطرح شده است. در روایت آمده است که پیامبر اکرم در تفسیر کلمه‌ی روح-الأمین در سوره‌ی شعراء، آن را به جبرئیل یا بال‌های گشوده همچون طاووس، تأویل نموده‌اند (صباغ‌پور و شایسته‌فر، ۱۳۸۹: ۴۲)؛ از این رو، یکی از نام‌های جبرئیل در اسلام و شعر شاعران فارسی، طاووس‌الملائکه است که به وفور در شعر آنان قابل ملاحظه است، تا جایی که، مولوی در دفتر چهارم مثنوی، فرشتگان را «غیبیان سبز پر آسمان» نامیده است: (مولوی، ۱۳۸۲ش: ۵۰۱)

گاه طفلم را ربوده غیبیان غیبیان سبز پر آسمان

۲-۲-۲. حافظ شیرازی، از مشهورترین شعرای تاریخ ایران زمین در قرن هشتم در یکی از غزلیات عرفانی خود به شماره‌ی ۳۲۹، طاووس را نماد ملائک و فرشتگان به شمار آورده است: (حافظ، ۱۳۸۱ش: ۳۲۲)

شکر خدا که در این اوج بارگاه طاووس عرش می‌شنود صیت شه‌پریم

۲-۳-۲. انوری ابیوردی، از مهم‌ترین شاعران متعهد در ادبیات شیعه و از شیفتگان اهل بیت علیهم‌السلام نیز، در مدح و ستایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله، طاووس را نماد و سمبل جبرئیل دانسته و می‌گوید: (انوری، ۱۳۷۶ش: ۳۶۷/۱)

زیر طاق عرش طاووس ملائک جبرئیل از نثار تو شده یاقوت پاش و درفشان

۲-۳. طاووس، نماد مرغان بهشتی

۲-۳-۱. «در فرهنگ اسلامی طاووس مرغی بهشتی محسوب می‌شود بر اساس متون فال‌نامه منسوب به امام صادق علیه السلام *تخصص الأنبیای* اسحاق نیشابوری (اواخر سده دهم هجری قمری) و *تاریخ طبری*، طاووس به دلیل اینکه رابط میان آدم، حوا و شیطان بوده، همراه آن‌ها از بهشت رانده می‌شود» (صباغ‌پور و شایسته‌فر، ۱۳۸۹: ۴۱)؛ به همین سبب، شاعران فارسی به ویژه عطار، از طاووس به عنوان مرغی بهشتی سخن گفته‌اند.

اصولاً پرندگان، نقش مهمی در آفرینش تخیل و تصویرسازی عرفانی عطار نیشابوری دارند، وی در *منطق‌الطیر*، طاووس را نماد پرنده‌ی بهشتی‌ای می‌داند که از دوستی‌اش با مار پشیمان است؛ زیرا عقیده دارد که به واسطه‌ی دوستی با همین مار است که از بهشت رانده شده است: (عطار، ۱۳۳۶ش: ۵۰-۴۹)

گرچه من جبریل مرغانم و لیک رفته بر من از قضا کاری نه نیک
یار شد با من به یک جا مار زشت تا بیفتادم به خسواری از بهشت
عزم آن دارم کزین تاریک جای رهبری باشد به خُلدَم رهنمای
کی بود سیمرغ را پروای من بس بود فردوس عالی جای من

عطار، طاووس را مظهر بهشت‌پرستان دانسته که در سر، خیال پیشگاه سیمرغ (حق) را نمی‌پروراند. او بسیار مشتاق بازگشت به بهشتی است که به گناه همدستی با مار از آنجا رانده شده است.

۲-۳-۲. حافظ، نیز در غزل شماره‌ی ۳۶، به طاووس و بهشت‌پرستی او، اشاراتی داشته است: (حافظ، ۱۳۸۱ش: ۳۷)

زلف مشکین تو در گلشن فردوسِ عذار
چیست طاووس که در باغِ نعیم افتاده است

۲-۳-۳. حضرت امام خمینی علیه السلام در یکی از رباعیات خود، طاووس را نمادی از مرغان بهشتی دانسته، و آن را یادآور جمال محبوب خود معرفی می‌کند: (خمینی، ۱۳۷۲ش: ۲۳۷)

ای مرغِ چمن از این قفس بیرون شو فردوس تو را می‌طلبم مفتون شو
طاووسی و از دیار یار آمده‌ای یادآور روی دوست شو مجنون شو
وی معتقد است طاووس پرنده‌ای آسمانی و بهشتی است، و دنیا را همچون قفسی برای او می‌داند. در این شعر، زیبایی طاووس برای ایشان تداعی‌کننده‌ی جمال محبوب همچون طاووس اوست.

۲-۳-۴. برخی شاعران همانند مولوی و سعدی، طاووس را پرنده‌ای مقدس و عزیز می‌شمارند و می‌گویند: خوانندگان و حافظان قرآن، پر طاووس را در لابلای صفحات قرآن قرار می‌دادند تا مشخص کنند که تا کجا از آن خوانده‌اند:

هر پسرّت را از عزیزت و پسند حافظان در طیّ مصحف می‌نهند
(مولوی، ۱۳۸۲ش: ۶۳۰)

پر طاووس در اوراق مصاحف دیدم گفتم این منزلت از قدر تو می‌بینم بیش
(سعدی، ۱۳۶۸ش: ۱۰۶)

۲-۴. طاووس، نماد بدبینی

۲-۴-۱. سنایی غزنوی، در قصیده‌ی شماره‌ی ۷۱، از دیوان خود، در موعظه و اجتناب از غرور، کبر و حرص، طاووس را نماد شهوت معرفی می‌کند: (سنایی

غزنوی، ۱۳۸۵ش: ۱۳۰)

خشم و شهوت مار و طاووسند در ترکیب تو نفس را آن پایمرد و دیو را این دستیار
کی توانستی برون آورد آدم را ز خُلد گر نبودی راهبر ابلیس را طاووس و مار
شاعر نسبت به مار و طاووس بسیار بدبین است؛ زیرا آنها را در اخراج
حضرت آدم عليه السلام از بهشت گناهکار می‌داند.

مولوی نیز، با الهام از داستان ابراهیم عليه السلام که چهار مرغ را ذبح کرده تا زنده شدن
مردگان را به چشم خود ببیند، هر کدام از مرغان را حامل صفت‌های ویژه
نفسانی تصوّر نموده است و می‌گوید: (مولوی، ۱۳۸۲ش: ۶۱۰)

بطّ و طاووس است و زاغ است و خروس
این مثال چار خلق اندر نفوس
بط، حرس است و خروس، آن شهوت است
جاء، چون طاووس و زاغ، امنیت است

مولوی این چهار مرغ را مرغانی فتنه‌جو، شوم و نحس نامیده است و معتقد
است که خلق با وجود آنها رنگ آسایش نخواهد دید. وی برای جاودانه کردن
آفرینش بشر، راهکاری جز سر بریدن آنها نمی‌جوید: (همان: ۶۱۰)

خلق را گر زندگی خواهی ابد سر ببر ز این چار مرغ شوم بد

همو در مثنوی معنوی، «از طاووس پران به علمای ظاهر تعبیر نموده و در
مقابل، عالم ظاهری را که به کمال نرسیده طاووس علین خوانده است»
(صباغ‌پور و شایسته‌فر، ۱۳۸۹: ۴۳).

۲-۴-۲. بیدل دهلوی نیز، طاووس را نماد حیله و نیرنگ معرفی می‌کند و می‌-

گوید: (بیدل دهلوی، ۱۳۸۹ش: ۱/۱۳۲۹)

فسردن تا به کی ای بی‌خبر گردی پر افشان کن
تو هم داری به زیر بال طاووسانه نیرنگی

شاعر در این غزل به پاهای سیاه طاووس اشاره دارد که به سبب زیبایی طاووس، در زیر پره‌های زیبای او پنهان است. به نحوی که، در اوج غرور و خودستایی، زمانی که پره‌هایش را باز می‌کند تا جمالش را نشان دهد، ناگهان چشمش به پاهایش افتاده، احساس شرمساری می‌کند و پره‌هایش را جمع می‌کند. سعدی شیرازی در این رابطه می‌گوید: (سعدی، ۱۳۶۸ش: ۶۶)

طاووس را به نقش و نگاری که هست خلق
تحسین کنند و او خججل از پای زشت خویش

۲-۳. خاقانی شروانی، از بزرگ‌ترین قصیده‌سرایان ایران در قرن ششم و از شاعرانی است که نسبت به طاووس بسیار بدبین است؛ زیرا طاووس را در راهبری و هدایت شیطان در نفوذ به بهشت و اغفال آدم گناهکار می‌داند. وی در قطعه‌ای، در هجو رشید و طواط، به توصیف صفت‌های بد او پرداخته، و طاووس را در شوم و نحس بودن، نمادی از او می‌داند و می‌گوید: (خاقانی شروانی، ۱۳۸۵ش: ۹۰۳)

چون کلاغست نجس‌خوار و حسود چو خروس است زناکار و لئیم
رهبر دیو چو طاووس مُدام مایه‌ی فسق چو عصفور مقیم

شروانی، در غزل دیگری نیز، طاووس را نماد شیطانی دانسته که به دل‌ها نفوذ می‌کند: (همان: ۶۲۴)

ز نیرنگ هوا و از فریب آ ز خاقانی
دلت خلد است خالی ساز از طاوس و شیطانش

همو در قصیده‌ای، در رثای فرزند خود، امیر رشیدالدین، معتقد است که پر طاووس سرمست، جز برای دور کردن مگس، به کاری نمی‌آید: (همان: ۱۶۰)

خوان غم را پر طاووس مگس‌ران به چه کار
بند آن مائده‌آرای بطر بگشاید

در مقابل، همان‌طوری که اشاره شد، طاووس در نگرش بیشتر شاعران فارسی، نمادی مقدس و بهشتی است. امام علی علیه السلام هم، طاووس را از شگفت‌انگیزترین پرندگان در آفرینش دانسته‌اند (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۵). «ایرانیان باستان نیز، معتقد بودند که طاووس به دلیل نوشیدن آب حیات، عمر جاودانه یافته است. در آیین زرتشت نیز طاووس به عنوان مرغی مقدس مورد توجه بوده است. طبری در مورد آتشکده‌ها و معابد زرتشتی که تا سده‌ی سوم هجری قمری باقی مانده بوده؛ اشاره می‌کند که در نزدیکی آتشکده‌ی بخارا، مکان خاصی برای نگه‌داری طاووس اختصاص داده شده بود» (صباغ پور و شایسته‌فر، ۱۳۸۹: ۴۱).

۲-۵. طاووس، نماد بهار و رنگ

۲-۵-۱. طاووس، به واسطه‌ی رنگ‌های متنوع پره‌ایش نماد عالم رنگ است و چون تنوع رنگ در فصل بهار فراوان است، بسیاری از شاعران فارسی، طاووس را نماد بهار دانسته‌اند.

بیدل دهلوی، در دیوان خود، طاووس را نماد عالم و پدیده‌های رنگارنگ آن دانسته، و جهان را در ویژگی فریبندگی و رنگارنگی به طاووس تشبیه می‌کند:

(بیدل دهلوی، ۱۳۸۹ش: ۵۹۲/۱)

عالم همه نقشِ پر طاووس خیال است
اینجا دگر از رنگ بهارت چه نماید؟

در شعر بیدل، معمولاً با طیف وسیعی از نمادهای رنگ مواجه می‌شویم که سراسر دیوانش را فراگرفته است. طاووس در شعر بیدل دهلوی، بیش از هر پرنده‌ی دیگری، نماد عالم رنگ است: (همان: ۶۵۰/۱)

یک ذره ندیدم که به طاووس نماند
نیرنگِ خیالت به هزار آینه پر داد
هر کجا می‌گذری گردِ پر طاووس است
نقش پایت چه‌قدر بوقلمون می‌ریزد!
(همان: ۱۳۲۹/۱)

۲-۵. مسعود سعد سلمان، شاعر دوره‌ی غزنوی که در نیمه دوم قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری می‌زیسته در رباعی شماره ۴، از دیوان خود، طاووس را نمادی از رنگ‌ها معرفی می‌کند: (مسعود سعد سلمان، ۱۳۸۴ش: ۵۸۷)

کم کن بر عندلیب و طاووس درنگ
کآنجا همه بانگ آمد و اینجا همه رنگ

۲-۶. طاووس، نماد غرور و خودنمایی

۲-۶-۱. نازفروشی طاووس موضوعی روشن و بدیهی است که ره‌آورد زیبایی اوست. پر طاووس بسیار زیباست و طاووس به همین سبب خودپسند است، مولوی عقیده دارد طاووس را به خاطر پرهای زیبایش شکار می‌کنند: (مولوی، ۱۳۸۲ش: ۱۴)

دشمن طاووس آمد پر او ای بسی شه را بکشته فر او

خاقانی شروانی، طاووس نر را نماد غرور، حسادت و خودخواهی دانسته است؛ زیرا اگر موفق شود، تخم‌های طاووس ماده را در هم می‌شکند تا دارای فرزند نشود و طاووس‌های کوچک نتوانند دل مادرشان را به طرف خویش جلب نمایند؛ زیرا این حیوان بسیار حسود و در عشق خود خودخواه است (علی‌پوری، ۱۳۸۴: ۲۶۴).

بیضه چون طاووس نر خواهم شکست
وز برون آشیان خواهم فشانند
بشه بشکن، نوع کم کن تا بوی طاووس نر
بیضه پروردن به گنجشکان گذار و ماکیان

۲-۶-۲. مولوی در دیوان شمس تبریزی، غزل شماره ۱۳۷۲، طاووس را نماد غرور و تکبر دانسته و می‌گوید: (مولوی، ۱۳۷۸ش: ۵۳۲)

نی نی چو باز ممتحن بردوز چشم از خویشتن
مانند طاووسی نگو من دپبه‌ها پوشیده‌ام

۲-۶-۳. منوچهری، شاعر دربار مسعود غزنوی در قرن پنجم و از بزرگترین شاعران طبیعت و انواع گل‌ها و پرندگان است که در دیوان شعر وی حتی یک مصرع غمگین یافت نمی‌شود. وی در قصیده‌ی شماره ۲۴ از دیوان خود، طاووس را نماد غرور و خودپسندی می‌داند و می‌گوید: (منوچهری، ۱۳۸۵ش: ۳۰)

وان شررگویی طاووس به گرد دم خویش
لؤلؤ خُرد فتالیده به منقار بُوَد

۲-۶-۴. **عطار** پس از سنایی، از بزرگ‌ترین شاعران نمادپرداز ایران است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۴۴)؛ زیرا منظومه *منطق‌الطیر* او از قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین آثار سمبولیک است. در این کتاب، نفوس مستعد در قالب مرغانی متجلی شده‌اند. این مرغان در پی یافتن حقیقت به سوی کوه قاف رهسپار شدند. هزاران مرغ بودند؛ ولی فقط سی مرغ توانستند به حضور سیمرغ (حق) برسند. در میان این مرغان (سالکان طریق) طاووس، نماد انسان‌هایی است که به خود و زیبایی‌های ظاهری خود مغرور هستند (عطار، ۱۳۳۶ش: ۵۰-۴۵).

۲-۷. طاووس، نماد معشوق، زن و زیبایی

۲-۷-۱. **بیدل دهلوی** در غزل شماره‌ی ۹۶۷، طاووس را نمادی از معشوق خود می‌داند که مدتی طولانی، شوق و انتظار وصال او را در سر داشته است:

طاووس من بهار کمین چه مژده است
عمری است بال می‌زنم و چشم می‌پرد

۲-۷-۲. **عبدالرحمن جامی**، شاعر و عارف سده‌ی نهم، در اورنگ پنجم از کتاب *هفت اورنگ*، داستان عشق یوسف و زلیخا را به تصویر کشیده، و به توصیف آرایش کردن و زیبایی گریبان زلیخا پرداخته است. جامی در این غزل، طاووس را نمادی از زلیخا می‌داند که آینه در دست و خرامان راه می‌رود: (جامی، ۱۳۶۸ش: ۶۷۶)

شد از گوهر مرصع جیب و دامان به صحن خانه طاووس خرامان
خرامان می‌شد و آینه در دست خیال حُسن خود با خود همی بست
همو در داستان یوسف و زلیخا، طاووسان را نمادی از زنان اشراف مصر دانسته

است که زبان به طعنه‌ی زلیخا در عشق یوسف عليه السلام گشودند؛ به همین سبب، زلیخا آنان را دعوت کرد و آنان نیز به تیغ عشق، دست‌های خود را بریدند: (همان: ۶۹۰)

روان هر سو کنیزان و غلامان به خدمت همچو طاووسان خرامان
پری‌رویان مصری حلقه بسته به مسندهای زرکش خوش نشسته

۲-۷-۳. سعدی شیرازی در غزل شماره‌ی ۳۵۲، با مطلع «جانان هزاران آفرین بر جانست از سر تا قدم» طاووس را در زیبایی نماد معشوق خود دانسته است، سپس از حکمی که داده است برگشته و محبوس را زیباتر و شیرین‌تر از طاووس معرفی می‌کند: (کلیات سعدی، ۱۳۶۸ش: ۶۴۶)

گفتم که طاووسی مگر عضوی ز عضوی خوینتر
نی نی بسان نیشکر شیرینی از سر تا قدم

۳. طاووس، در شعر شاعران عرب

طاووس در شعر شاعران عرب، نسبت به شاعران فارسی، نمود کمتری دارد، شاید به سبب اینکه اعراب تا مدت‌ها طاووس ندیده بودند «تا زمانی که بخارا را فتح نمودند. در هفت فرسنگی آنجا به دهی رسیدند که در آن طاووس بسیار بود و به ذات الطواویس هم معروف است» (علی‌پور، ۱۳۸۴ش: ۲۶۸). شاعران عرب، برخلاف شاعران فارسی که طاووس در شعر و فرهنگ آنان دورنمای تاریخی، دینی و عرفانی دارد، بیشتر طاووس را نماد زن، عروس، ممدوح، نازفروشی و غرور، و بدبینی دانسته‌اند و به ندرت از آن در مقاصد دینی و عرفانی استفاده کرده‌اند. این بخش از مقاله، به بررسی تحلیلی نماد طاووس در شعر برخی شاعران عرب می‌پردازد تا محتوای ذهنی و اندیشه‌های نمادین آنان

را از این پرنده، در مقایسه با شاعران زبان فارسی، به بوته‌ی نقد، تحلیل و تطبیق بسپارد.

۳-۱. طاووس، نماد اشخاص زیبا و نوعروسان

۳-۱-۱. عرب‌زبانان به ویژه اهل شام، در زیبایی به طاووس مثل می‌زنند و می‌گویند: «أَحْسَنُ مِنَ الطَّائُوسِ وَ أَزْهَى مِنَ الطَّائُوسِ» و به انسانی که در زیبایی صورت، شهره است، می‌گویند: «طاووس زیبا». (الیوسی، ۱۹۸۱ م: ۱۲۴/۲) بهترین نمونه در این مورد، سخن به‌حتری، شاعر عصر عباسی است که «اسرائیل النخاس النصرانی الأعور» را هجو می‌کند؛ زیرا وی غلام ایرانی زیبایی را به قیمت ناچیزی خریداری نمود که در زیبایی به‌سان طاووس بود: (دیوان، لاتاً: ۸۵۴/۲)

۱. مَتَى تَرْضَى وَ دَجَالَ النَّصَارَى يَقْرَمُ مَا يَرَاهُ بِمَرْدٍ عَيْنِ
۲. وَأَجْوَرُ خَطَّةِ طَائُوسٍ حُسْنٍ يُؤَلِّى الْحَكَمَ فِيهِ عُرْبٌ بَيْنِ

(۱). کی راضی شویم در حالی که دروغگوی مسیحی آنچه را که می‌بیند، با یک چشم از زیبایی می‌کند. ۲. ظالمانه‌ترین طرح، طاووس زیبایی‌بی است (غلام ایرانی) که کلاغ جدایی (اسرائیل نخاس نصرانی أعور) در آن حکمرانی می‌کند).

به‌حتری، در این شعر به زیباترین وجه، زیبایی و زشتی را با هم جمع کرده و «طاووس» را در زیبایی، نماد آن غلام زیباروی ایرانی و «غراب‌البین» را نماد «اسرائیل نخاس نصرانی أعور» دانسته است که آن غلام همچون طاووس را به قیمت ناچیزی خریداری نمود. شاعر طاووس را مثل اعلای زیبایی در میان پرندگان دانسته است.

۳-۱-۲. برخی از شاعران عرب، زیبایی‌های طاووس را ستوده‌اند و آن را در

زیبایی نمادی از عروس دانسته‌اند؛ زیرا نوعروسان نیز بسان طاووس که به پره‌های خود می‌نازد، در لباس‌های خود فخر می‌فروشند: (الیوسی، ۱۹۸۱ م: ۱۲۴/۲)

۱. سُبْحَانَ مَنْ مِنْ خَلْقِهِ الطَّائُوسُ طَيْرٌ عَلَى أَشْكَالِهِ رَيْسٌ؛
۲. كَأَنَّهُ فِي نَفْسِهِ عَرُوسٌ فِي الرِّيشِ وَنَهْ رُكَيْتِ قَلُوسٌ

۱. پاک و منزّه است خداوندی که طاووس از آفریدگان اوست، پرنده‌ای که رئیس و سرآمد همه‌ی پرندگان است. ۲. گویی که این طاووس عروسی است که بر پره‌ایش فلوس (سکه - پولک) بسته‌اند.

اعراب طاووس را در میان پرندگان و اسب را در میان حیوانات از زیباترین موجودات می‌دانستند. در کتاب *زهر الأکم فی الأمثال والحکم* (۱۲۴/۲) آمده است: «أَحْسَنُ مِنَ الطَّائُوسِ». آنان عقیده دارند که: «إِنَّ الطَّائُوسَ فِي الطَّيْرِ كَالْفَرَسِ فِي الدَّوَابِّ عَزَّ وَحَسَنًا»، یعنی: طاووس در میان پرندگان از نظر زیبایی همانند اسب در میان چهارپایان است (همان: ۱۲۴/۲). در مقابل، در جایی دیگر (همان: ۲۰۹/۳)، طاووس را نماد بدبینی می‌دانند که در بدبینی ضرب‌المثل است و اشخاص شوم و بدقدم را به طاووس شوم تشبیه می‌کنند: «أَشْأَمُ مِنَ الطَّوَيْسِ».

۳-۲. طاووس، نماد ممدوح

۳-۲-۱. شاعران عرب، بیش از شاعران فارس، در مدح ممدوحان و رضایت آنان کوشیده‌اند، ابن دانیال موصلی شاعر چشم‌پزشک عراقی که در موصل متولد شد و در قاهره پرورش یافته، طاووس را نمادی از ممدوح خود (تاج الدین) دانسته و می‌گوید:

۱. يَا جَوَادُ إِذَا سَرَى بِجَوَادٍ ذِي شَيْبَاوٍ كَأَنَّهُ الطَّوُوسُ

۲. وَيَقُولُ الْخَسَاءُ مَا قَبْلَ هَذَا لَأَ وَكَأَ بَعْدَهُ يُعَدُّ رَئِيسُ

(۱). ای بخشنده‌ای که هنگامی که شبانه سوار بر اسب می‌روی گویی در زیبایی بسان طاووس هستی. ۲. ملامتگران و حسودان می‌گویند قبل و بعد از این رئیسی نیست (تنها تو رئیس اول و آخر هستی).

۲-۲-۳. محمد عبدالمعطي بن عثمان الهمشري، شاعر رمانتیک معاصر مصری (۱۹۳۸م)، که عضو انجمن اپولو بود. بر شعر این شاعر مرگ و مفردات آن سایه افکنده است؛ ناقدان علت این موضوع را، شکست وی در تنها عشقش می‌دانند. وی پس از ستایش زیبایی‌های ممدوح خود، طاووس را نمادی از زیبایی این ممدوح دانسته و می‌گوید: (www.arabi/poet.com)

۱. كِيَالِيكَ مِنْ لَيْلِ الْفَرَايسِ أَبْهَجُ وَتُورِكَ أَبْهَى فِي الْعَيْونِ وَأَبْجُ

۲. كَأَنَّكَ طَاوُوسٌ مُدَلٌّ كَأَنَّمَا نُجُومُ الدَّجَى وَرَقَّ حَوَالِيكَ تَهْزَجُ

(۱). شب‌های تو از شب‌های بهشتیان شادی‌بخش‌تر است و نور وجود تو روشنی‌بخش چشم‌هاست. ۲. گویی که تو طاووسی خرامان و نازپرورده‌ای، گویی که ستارگان تاریکی در اطراف تو قمریان آوازخوانند)

۳-۲-۳. ابومنصور ثعالبی نیشابوری (۴۲۹-۳۵۰ش)، از پیشوایان زبان و ادبیات در عصر عباسی، در نامه‌ای که به دوست خود می‌نویسد، او را می‌ستاید و این دوست را در زیبایی به طاووس تشبیه می‌کند: (رسائل الثعالبی، ۱: ۶۶)

۱. أُرْسِلْتُ فِي وَصْفِ صَدِيقِي لَنَا مَا حَقُّهُ الْكِتَابَةُ بِالْعَسْجِدِ

۲. فِي الْحَسَنِ طَاوُوسٌ وَلَكِنَّهُ أَسْجَحُ فِي الْخَلْوَةِ مِنْ هُدْهِ

(۱). نامه‌ای طلایی که شایسته‌ی دوستم بود در توصیف زیبایی او برایش فرستادم. ۲. این

دوست من در زیبایی بسان طاووسی است؛ ولی در خلوت، خرامان‌تر از هدهد است.

۳-۳. طاووس، نماد بهار و رنگ

۳-۳-۱. ابوالحسن کمال‌الدین علی‌بن‌محمد بن‌الحسن ملقب به ابن‌نبیه مصری؛ از شاعران دوره‌ی عباسی، در روزگار قاضی‌فاضل، وزیر ایوبیان بود، وی دیوان شعر کوچکی دارد و در آن طاووس را در زیبایی و رنگارنگی، نمادی از بهار و رنگ‌های زیبای آن دانسته و می‌گوید: (www.poetsgate.com)

۱. طَابَ الرَّبِيعُ كَأَنَّما عَجَنَ الصَّبَا
كَأَفْوَرُ مِسْكِيهِ بِعَبْتِرِ طَيْبِهِ
۲. وَتَفَضَّصَتْ أَزْهَارُهُ وَتَدَهَّيَّتْ
فَكَأَنَّما الطَّائُوسُ فِي تَلْوِينِهِ

(۱). بهار چه خوش است! گویی که بوی خوش آن با باد صبا مخلوط شده است. ۲. شکوفه‌هاش نقره‌فام و طلایی‌رنگ شده است، گویی که در رنگارنگی‌اش همانند طاووس است.

۳-۴. طاووس، نماد بدبینی

۳-۴-۱. طاووس در امثال عرب، نماد بدبینی است. میدانی در مجمع‌الأمثال (بی‌تا: ۲۵۸/۱) در مورد شوم بودن طاووس می‌نویسد: «أشأم من طُويس»، طُويس تصغیر طاووس است. طویس مردی از اهالی مدینه و نخستین آوازخوان در اسلام بود که تلاش فراوانی برای به‌انحراف کشاندن فرزندان مهاجرین و انصار نمود. به او طاووس می‌گفتند و کنیه‌ی وی عبدالنعیم بود. او درباره‌ی نحس بودن خویش می‌گوید: «مادرم زنی عیب‌جو و سخن‌چین در میان انصار بود و مرا در هنگام وفات نبی مکرم اسلام ﷺ به دنیا آورد و روزی که ابوبکر مرد، من از شیر گرفته شدم، در روز مرگ عمر به جوانی رسیدم و در شب کشته شدن عثمان عروسی کردم و هنگام شهادت امام علیؑ فرزندی برآیم متولد شد؛ به همین خاطر اعراب او را شوم و نحس می‌دانستند. طُويس درباره

شوم بودن خویش شعری سروده و پرنده‌ی طاووس را در بدبینی نمادی از خویشتن دانسته است: (همان: ۲۵۸/۱)

أَنَا أَبُو عَبْدِ النَّعِيمِ أَنَا طَاوُوسُ الْجَحِيمِ
وَأَنَا أَشْأَمُ مَنْ ذَبَّ عَلَيَّ ظَهْرُ الْحَطِيمِ

(من عبدالنعیم هستم، من طاووس جهنم هستم، من شوم‌تر از هر کسی هستم که بر روی زمین راه می‌رود.)

۳-۴. ابن هباریه، ابو یعلی محمد، ملقب به نظام‌الدین (۱۰۲۳-۱۱۱۵م)، شاعر هجوسرای عرب در عهد سلجوقیان بود. هبار نام جد مادری اوست. ابن هباریه، طاووس را در نحسی و شومی مانند جغد دانسته، و اسم وی را در کنار جغد ذکر می‌کند: (www.arabi/poet.com)

أَمَا سَمِعْتَ خَيْرَ الطَّائُوسِ إِذْ بَاتَ ضَيْفَ الْيَوْمِ فِي النَّائُوسِ

(آیا خبر طاووس را نشنیده‌ای، زمانی که در ناووس مهمان جغد گردیدی.)

همو در قصیده‌ای دیگر، طاووس را نماد بدبینی، و شوم‌تر از جغد پنداشته است: (www.arabi/poet.com)

۱. بَيْنَ أَيْنَ قَالَ الْيَوْمُ مِنْ نَائُوسٍ كُنْتُ بِهِ بِالْأَمْسِ مَعَ الطَّائُوسِ
۲. قَالَ وَكَيْفَ جَاءَكَ الطَّائُوسُ ضَيْفًا حَلَفْتَ أَنَّهُ مَنَحُوسُ
۳. قَالَ نَعَمْ جِنَّ الظَّلَامِ وَسَقَطِ عَلَيَّ جِدَارٍ مَنزِلِي وَقَدْ شَحَطِ

(۱. کجا جغد گفته که من دیروز در قبر همراه طاووس بودم؟ ۲. گفت: «و چگونه طاووس به مهمانی نزد تو آمد؟ تو که سوگند خوردی که طاووس شوم است.» ۳. گفت: «بله، شب تاریک بود و طاووس کنار خانه‌ی من افتاد در حالی که دور شده بود.»)

در فرهنگ عرب، برخلاف ایرانیان که پیچیده شدن مار به پاهای طاووس را علت سیاه شدن پای این حیوان دانسته‌اند، استدلال دیگری ذکر شده است. در کتاب المثنوی ابن الجوزی (بی تا: ۵/۱) آمده است که: «طاووس بر آبشخوری وارد شد و آن آب، از اشک حضرت آدم علیه السلام بود و چون طاووس داخل آن شد، پاهایش سیاه گردید، پس فریاد زد این اشک‌های کسی است که از خداوند نافرمانی کرده است سپس حضرت آدم علیه السلام گفت: خداوندا می‌بینی که این پرندگان مرا سرزنش می‌کنند، به من رحم کن....»

۳-۴. شاعران عرب، همانند شاعران فارسی، همان‌طوری که قبلاً هم به آن اشاره گردید، دیدگاه‌های متناقضی درباره‌ی طاووس ابراز کرده‌اند. ابن‌النقیب، شاعر و ادیب سوری (۱۶۳۸ - ۱۶۷۰ م)، زاغ را شوم و نحس دانسته است؛ اما طاووس را در مقابل زاغ قرار داده، و این پرندۀ را نمادی از پرندگان بهشتی می‌داند و می‌گوید حتی اگر طاووس هم در بهشت بر روی تخم زاغ بخوابد، به جز زاغ از آن تخم بیرون نمی‌آید: (www.poetsgate.com)

۱. لَوْ أَنَّ بَيْضَةَ زَاغٍ رَاحَ يَحْضُنُّهَا فِي جَنَّةِ الْخُلْدِ طَاوُوسٌ وَبَرَأْنُهَا
۲. لَمْ تَأْتِ إِلَّا بِزَاغٍ وَهِيَ صَاغِرَةٌ وَذَلِكَ الْأَصْلُ لَا يَنْفَكُ يَلْزَمُهَا

۱. اگر طاووس در بهشت جاویدان تخم کلاغی را در آغوش بگیرد و بر روی آن بخوابد.
۲. جز کلاغ از آن تخم بیرون نمی‌آید، و آن اصل همیشه همراه اوست و هیچ‌گاه از او جدا نمی‌شود.

شاعر نسبت به کلاغ بسیار بدبین است. در مقابل طاووس را از پرندگان بهشتی به شمار آورده است. در ضرب‌المثل‌های ایرانی نیز به این موضوع اشاره شده است: «از آشیان غراب طاووس نبرد.»

۳-۵. طاووس، نماد محبوب و معشوق

۳-۵-۱. عبدالله بن معتمر، شاعر عیاش دوره‌ی عباسی که از مهم‌ترین موضوعات شعری او وصف طبیعت و شراب و شکار است در دیوان شعر خود، معشوقش را در زیبایی به طاووسی تشبیه کرده است که شراب را تنها از دست این طاووس زیبا (محبوب) می‌نوشد: (عبدالله بن معتمر، ۱۴۱۵هـ-۱۹۹۵م: ۲/۲۱۸)

إِشْرَبَ بِكَأْسٍ مِنْ كَفِّ طَاوُوسٍ مُدَلَّلٍ وَفِي النَّجِيمِ مَعْمُوسٍ

(شراب را از دست معشوق زیبایی بنوش که همانند طاووس با ناز و خرامان راه می‌رود و غرق در نعمت است.)

همو در قصیده‌ای دیگر، معشوق خود را به طاووس تشبیه می‌کند و می‌گوید: (همان: ۱/۲۷۰)

۱. رَاضٍ نَفْسِي حَتَّى صَبَّتْ إِبْلِيسُ وَقَدِيمًا قَدْ طَاوَعَنَّهُ النَّفُوسُ
۲. كَمْ أَرَدْتُ التَّقَى فَمَا تَرَكَتَنِي خَنْدَرِيسٌ يُدِيرُهَا طَاوُوسٌ

(۱). نفس من از اینکه شیطان برایش شراب بریزد رام گشت، و از روزگاران، آدمیان از شیطان فرمان برده‌اند. ۲. چقدر می‌خواستم پرهیزگار باشم؛ اما شرابی که معشوق زیبای همانند طاووس آن را می‌چرخاند، مرا رها نکرد و مانع شد.)

طاووس در این شعر، نماد معشوقی است که با چرخاندن شراب کهنه‌اش بر شاعر، مجال پرهیزگاری را سلب نموده است.

۳-۵-۲. یوسف بن هارون الرمادی، از شاعران اندلس در سده‌ی چهارم هجری نیز، در قصیده‌ای طاووس را نمادی از معشوق زیبای خود دانسته و می‌گوید: (الذخيرة لابن الیسام، ۱۹۸۱م: ۳/۱۴۱)

۱. وَإِذْ لِي نَدْمَانَانِ سَاقِي وَفِينَهُ رَشِيْقَانِ بِالْأَرْوَاحِ بِيَمْتَرَجَانِ
۲. أَقْدُ إِلَى الطَّائُوسِ فِي تَارِقِ يَدِي وَفِي تَارِقِ آوَى إِلَى الْوَرَشَانِ
۳. وَكُنْتُ أُدِيرُ الْكَأْسَ حَتَّى أَرَاهُمَا يَمِيلَانِ مِنْ سُكْرِ وَيَعْتَلِيَانِ

(۱). آن هنگام که دو همنشین بزرگ داشتم؛ ساقی و کنیز آوازخوان نیکوفد و زیباندام که با روح مخلوط بودند. ۲. یکبار دستم را به سوی طاووس (ساقی) دراز می‌کردم و بار دیگر به سوی کبوتر (کنیز یا آوازخوان) پناه می‌بردم. ۳. و من جام شراب را می‌چرخاندم تا آن‌ها را بینم در حالی که از شدت مستی تلو تلو می‌خوردند و کج و راست می‌شدند.)

۳-۶. طاووس، نماد غرور و نازفروشی

۳-۶-۱. محمد عثمان یوسف جلال (۱۸۹۸-۱۸۲۸م)، شاعر، مترجم، ادیب معاصر مصری و از بنیان‌گذاران ادبیات داستانی مدرن و نمایشنامه‌ی شعری در مصر است. وی در شعرش، طاووس را نمادی از خودخواهی و غرور دانسته، و به پرندگان دیگر دستور می‌دهد تا او را از زمین اخراج کرده و لباس زیبایی را از تنش بیرون آورند؛ شاید چشمانش به روی حقیقت باز شده و کوتاه آید: (www.poetsgate.com)

۱. وَأَنْتَ يَا طَائُوسُ لِمَ لَا تَرْضَى يَا مَعْشَرَ لَطَّيْرِ اطْرَحُوهُ أَرْضًا
۲. وَجَرِّدُوهُ مِنْ لِبَاسِ الزُّخْرُفِ عَسَاءَ تُمَلِي عَيْنِيهِ وَيَكْتَفِي

(۱). و تو ای طاووس چرا راضی نمی‌شوی؟ ای گروه پرندگان او را از زمین بیرون بپندازید. ۲. لباس‌های زیبایی را از تنش بکنید شاید چشمانش سیر شود و بس کند.)

۳-۶-۲. محمد امین المحبی (۱۰۶۱-۱۱۱۱ هـ)، تاریخ‌دان، پژوهشگر و ادیب سوری و از مهم‌ترین شاعران دوره‌ی عثمانی بود. وی محبوب خود را به آهویی تشبیه کرده است که طاووس زیبا، نمادی از زیبایی این معشوق همچون

آهوی اوست: (www.aldivanalarabi.com)

۱. وَشَادِرُ أَزْهَى مِنَ الطَّوُوسِ فِي عَشِقِهِ مَبِيَّةُ النَّفُوسِ
۲. أَبْدَى لَنَا مِنَ الثَّأْيَا قَمَهُ سِيناً عَسَى تَكُونُ يَلْتَفِيسِ

(۱). چه بسیار معشوق همچون آهو بره‌ای که در عشق خود مغرورتر از طاووس و دست-نیافتنی است. ۲. دهانش، دندان‌های نیشش را بر ایمن آشکار ساخت شاید اندک‌زمانی پس از آن هم آشکار کند یا شاید به خاطر اینکه اندوه ما را از بین ببرد.

۳-۶-۳. علی بن حسن بن علی بن ابی‌الطیب باخرزی (۴۶۷ هـ / ۱۰۷۵ م)، معروف به ابوالحسن باخرزی، شاعر و ادیب عربی‌نویس ایرانی در قرن پنجم است. وی معشوق خود را در نازفروشی و غرور به طاووس تشبیه می‌کند و در توصیف این معشوق می‌گوید: (دمية القصر وعصرة أهل العصر، ۱۴۱۴ق: ۵۷۵/۱)

۱. عَجِبْتُ لِطَيْفِهَا أَنِّي تَصَدَّى وَأَوْمَضُ بِالْوَأْصِلِ ثُمَّ صَدَّ
۲. هُوَ الطَّوُوسُ زِيَاً وَأَخْتِيَالاً وَلَكِنْ كَالْقَطَا لَيْلًا تَهْدَى

(۱). از خشم این معشوق خوشم می‌آید، آن هنگامی که جلو می‌آید و اشاره به وصال و رسیدن می‌کند سپس امتناع می‌ورزد. ۲. او در تکبر و بزرگ‌منشی مانند طاووس است؛ ولی همانند مرغ سنگ‌خواره در شب راه می‌یابد.

۴. نتیجه‌گیری

۱. از مهم‌ترین تفاوت‌های شاعران فارسی‌زبان با شاعران عرب در این است که شاعران فارس از نماد طاووس در فراخوانی شخصیت‌های دینی-سمذهبی، مانند: امام زمان عجل الله فرجه و نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله استفاده نموده‌اند و درون‌مایه اشعار خود را در آن جستجو کرده‌اند.

۲. شاعران فارس بر خلاف شاعران عرب، نماد طاووس را از معنای ظاهری و

مادی به معنای عرفانی و نمادین آن سوق داده‌اند. تا جایی که، طاووس در شعر آنان بیشتر نماد نبی مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام، ملائک و فرشتگان، مرغان بهشتی و ... است. در حالی که طاووس در شعر شاعران عرب، نمادی از عروسان و زنان زیبا یا پوشش آنان و ممدوحان شاعر و توصیف زیبایی آنان است. شاعران عرب از نماد طاووس، مفاهیمی غیر دینی و عرفانی انتزاع نموده‌اند.

۳. طاووس از جمله پرندگان است که در شعر شاعران ایرانی و فرهنگ آنان، با معانی نمادینی همچون: اخراج آدم و حوا، ورودی بهشت، سردر خانه‌ها و عمارت‌ها و مساجد، به ویژه بناهای دوره صفویان در اصفهان، نماد خورشید، نماد سلطنت، نماد جبرئیل و فرشتگان، بهار و رستاخیز، نشان عزت و غرور، تجدید حیات، زیبایی و با بسیاری از مفاهیم اسطوره‌ای و نمادین دیگر ارتباط نسبی دارد.

۴. شاعران فارس و عرب هر دو، نگرشی متناقض نسبت به طاووس داشته‌اند، به نحوی که برخی به این پرندۀ بدبین و برخی دیگر خوش‌بین بوده و آن را نمادی قدسی و بهشتی دانسته‌اند.

۵. هرچند شاعران عرب‌زبان همانند شاعران فارس، در برخی موارد نادر، طاووس را پرندۀ ای مقدس و بهشتی به شمار آورده‌اند، اما عمده تفاوت شاعران فارس با عرب در این است که شاعران فارس برخلاف شاعران عرب، نماد طاووس را بیشتر برای مفاهیم دینی و عرفانی استفاده نموده‌اند.

۶. شاعران زبان فارسی به مراتب، بیشتر از شاعران عرب، نماد طاووس را به کار برده‌اند.

۷. نماد طاووس در شعر شاعران فارس هم به صورت مثبت و هم به صورت منفی به کار رفته است؛ اما صورت مثبت آن، بسامد بیشتری در شعر شاعران و فرهنگ اسلامی دارد. در میان شاعران فارسی، اندک شاعرانی همچون سنایی، خاقانی شروانی و ناصر خسرو، طاووس را بدیمن و شوم می‌شمارند.

۸. با توجه به فرموده‌ی امام علی علیه السلام در مورد زیبایی طاووس و شگفتی‌های خلقتش، درمی‌یابیم که طاووس یکی از زیباترین آفریده‌های خداوند در بین پرندگان است. بنابراین، روشن است که فرموده‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد تشبیه حضرت مهدی علیه السلام به طاووس بهشتیان، ناظر به زیبایی طاووس است و روایت‌هایی که در نكوهش طاووس وجود دارد، علاوه بر ضعف، منافاتی با این روایت ندارد و قابل جمع است.

۹. در میان شاعران فارس، بیش از همه، بیدل دهلوی از طاووس به عنوان نماد معشوق، بهار و رنگ استفاده کرده است.

منابع و مأخذ

- انوری/بوردی (۱۳۷۶ش)، دیوان، به کوشش محمدتقی مدرس رضوی، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- الباخرزی، علی بن الحسن بن علی بن ابی الطیب (۱۴۱۴هـ.ق)، *دمية القصر وعصرة أهل العصر*، بیروت: دارالجیل.
- البحتری، أبو عبادة الولید بن عبید، *الديوان، حَقَّقَه وَقَدَّمَ لَهُ: عمر فاروق الطَّبَّاع*، بیروت: شركة دارالأرقم بن أبي الأرقم.
- بیدل دهلوی (۱۳۸۹ش)، دیوان، تصحیح: خال محمد خسته و خلیل الله خلیلی، تهران:

طلایه.

جامی خراسانی، نورالدین عبدالرحمن (۱۳۶۸ش)، *هفت اورنگ*، مقدمه: مرتضی مدرس گیلانی، ج ۵، تهران: سعدی.

حافظ، خواجه شمس‌الدین محمد (۱۳۸۱ش)، *دیوان*، مقدمه: جعفر یاحقی، ج ۳، تهران: آستان قدس رضوی.

خاقانی شروانی، بدیل‌بن علی (۱۳۸۵ش)، *دیوان*، مقدمه و تعلیق: سیدضیاء الدین سجادی، ج ۸، تهران: زوآر.

خواجه‌ی کرمانی (۱۳۷۴ش)، *دیوان*، تصحیح: احمد سهیلی خوانساری، ج ۳، تهران: پاژنگ. سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین (۱۳۶۸ش)، *کلیات*، تصحیح: محمد علی فروغی، ج ۳، تهران: ققنوس.

سنایی غزنوی (۱۳۸۵ش)، *دیوان*، مقدمه و شرح: بدیع‌الزمان فروزان‌فر، ج ۲، تهران: نگاه. سنایی غزنوی (۱۳۸۱ش)، *حدیقة الحقیقة و شریعة الطریقة*، شرح: محمدرضا راشد محصل، ج ۲، تهران: جامی.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰ش)، *زبور پارسی*، تهران: آگاه. الثشریثی، أبوالحسن علی‌بن بسام (۱۹۸۱م)، *الذخيرة في محاسن أهل الجزيرة*، تحقیق: إحسان عباس، ليبيا - تونس: لدارالعربية للكتاب.

صباغ پور، طیبه و شایسته فرمهناز (۱۳۸۹ش)، «بررسی نقش‌مایه نمادین پرنده در فرش‌های صفویه و قاجار از نظر شکل و محتوا»، *دوفصلنامه تحلیلی-پژوهشی نگره*، دانشگاه شاهد تهران، شماره ۱۴، سال پنجم، بهار.

عبدالله‌بن محمد المعتر بالله (۱۴۱۵هـ-۱۹۹۵م)، *الديوان*، شرحه مجید طراد، الطبعة الأولى، بیروت: دار الكتاب العربي.

علی‌پور، علی (۱۳۸۴ش)، «طاووس در فرهنگ و ادب فارسی»، *فصلنامه‌ی ادبیات فارسی*، مجموعه‌ی ادبیات و زبان‌ها، دانشگاه آزاد تبریز، شماره‌ی ۳، بهار.

المجلسی، محمد باقر (لأنأ)؛ *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء، عدد الأجزاء: ۱۱۰.

مسعود سعد سلمان (۱۳۸۴ش)، *دیوان*، مقدمه: رشید یاسمی، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.

موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۲ش)، دیوان، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس الله سره).

مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۷۸ش)، کلیات دیوان، نسخه تصحیح شده فروزانفر، ج ۵، تهران: سیمای دانش.

مولوی، جلال‌الدین محمدین محمد (۱۳۸۲ش)، مثنوی معنوی، نسخه ری‌نولد نیکلسون، تهران: پیمان.

منوچهری دامغانی (۱۳۸۵ش)، دیوان، به اهتمام سید محمد دبیر سیاقی، ج ۶، تهران: زوآر.
المیدانی النیشابوری، أبو‌الفضل أحمدین محسن إبراهيم (المتوفى ۵۱۸هـ) (لاتاً)، مجمع الأمثال، تحقیق: محمد محیی‌الدین عبدالحمید، بیروت: دارالمعرفة.

نهج البلاغة، الإمام علي عليه السلام نسخة الدكتور صبحي الصالح، دار الكتاب اللبناني: بيروت الطبعة الأولى ۱۳۸۷.

نیشابوری، عطار (۱۳۳۶ش)، منطق‌الطیر، با تصحیح: احمد خوشنویس «عماد»، انتشارات کتابخانه سنایی.

_____ (۱۳۸۴ش)، اسرارنامه، تصحیح: سید صادق گوهرین، ج ۶، تهران: زوآر.
الیوسی (۱۴۰۱ هـ - ۱۹۸۱ م)، الحسن بن مسعودین محمد، أبوعلی، نورالدین، المحقق: د. محمد حجی، د. محمد الأخضر، الطبعة الأولى، المغرب الشركة الجديدة - دار الثقافة، الدار البيضاء.

سایت‌های اینترنتی

www.aldiwanalarabi.com/poemPage.do?poemId=604754
<http://ara.bi/poetry/poet/1163/> الهمشری
www.hamshahrionline.ir/details/194242
<http://mahdi.ommolketab.ir>
www.poetsgate.com/poet_705.html
www.poetsgate.com/poem_78222.html
www.poetsgate.com/category_9.html